



# اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۴۷

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای محمد جعفری

## مقدمه

در درس ۳۶ این مطلب گذشت که ذهن انسان به محض شنیدن الفاظ، به معانی آن‌ها منتقل می‌شود؛ بی‌آنکه تأمل کرده یا نیازمند تفکر باشد. طبیعی است که انتقال سریع ذهن از لفظ به معنا، بدون دلیل و وجود رابطه میان لفظ و معنا، امکان‌پذیر نیست. در حقیقت، این رابطه، سببیتی است که میان لفظ و معنا وجود دارد. رابطه و علاقه‌ای واقعی که بالوجدان در خارج یافت می‌شود و شخص به خوبی وجود این سببیت لفظ در انتقال به معنا را درک می‌کند. در شناخت سبب پیدایش این رابطه میان بزرگان اصول اختلاف شده و هر یک در راستای تبیین آن نظریه‌ای را طرح کرده‌اند.

در درس قبل گفتیم که بنابر نظریاتی که در تفسیر وضع وجود دارد - غیر از نظریه تعهد - امکان اشتراک لفظی و ترادف، امری واضح و آشکار است؛ اما بنابر نظریه تعهد، این مسئله قابل مناقشه می‌باشد. در این درس این اشکال و مناقشه تبیین می‌شود و خواهیم گفت دو معنا از تعهد قابل تصور است که طبق یک معنا اشتراک ناممکن می‌شود و طبق معنای دیگر ترادف ممکن نمی‌باشد. در پایان سه راه برای حل این اشکال بیان می‌شود.

## متن درس

[الاشتراك و الترادف: لا شك في إمكان الاشتراك... و الترادف... بناء على غير مسلك التعهد في تفسير الوضع...]

و اما على مسلك التعهد فلا يخلو تصوير الاشتراك و الترادف من إشكال، لأن التعهد إذا كان بمعنى الالتزام بعدم الإتيان باللفظ الا إذا قصد تفهيم المعنى الذى يضع له اللفظ، امتنع الاشتراك المتضمن لتعهدين من هذا القبيل بالنسبة إلى لفظ واحد، إذ يلزم ان يكون عند الإتيان باللفظ قاصدا لكلا المعنيين وفاء بكلا التعهدين، و هو غير مقصود من المتعهد جزما، و إذا كان التعهد بمعنى الالتزام بالإتيان باللفظ عند قصد تفهيم المعنى امتنع الترادف المتضمن لتعهدين من هذا القبيل بالنسبة إلى معنى واحد، إذ يلزم ان يأتى بكلا اللفظين عند قصد تفهيم المعنى، و هو غير مقصود من المتعهد جزما. و حلّ الإشكال إما بافتراض تعدد المتعهد أو وحدة المتعهد بان يكون متعهدا بعدم الإتيان باللفظ الا إذا قصد تفهيم أحد المعنيين بخصوصه، أو متعهدا عند قصد تفهيم المعنى بالإتيان بأحد اللفظين، أو فرض تعهدين مشروطين على نحو يكون المتعهد به في كل منهما مقيدا بعدم الآخر.

## اشکال به امکان اشتراک لفظی بنابر نظریه تعهد

در درس قبل گذشت که امکان اشتراک لفظی و مترادف بنابر مسلک اعتبار و قرن اکید که دو مسلک در تفسیر وضع می‌باشند واضح است اما بنابر مسلک و نظریه تعهد، مسأله مورد اشکال است.

این اشکال با توجه به معنای تعهد روشن می‌شود. بر طبق این نظریه، تعهد را به دو گونه می‌توان در نظر گرفته و معنا کرد. که طبق یک معنا اشتراک غیرممکن می‌شود و طبق معنای دیگر، مترادف ناممکن خواهد بود.

**معنای اول:** مستعمل<sup>۱</sup> (استعمال کننده) تعهد کند که این لفظ را استعمال نکند، مگر زمانی که قصد تفهیم معنای موضوع له آن را داشته باشد. طبق این معنا، اشتراک لفظی ممتنع می‌شود.

**مثال:** مستعمل یک بار تعهد داده است که لفظ عین را استعمال نکند، مگر آنکه قصد تفهیم معنای چشم را داشته باشد. و بار دیگر تعهد داده است که لفظ عین را استعمال نکند مگر آنکه قصد تفهیم معنای چشمه را داشته باشد؛ یعنی از آنجا که لفظ «عین» مشترک لفظی است و بالفرض دو معنا (چشم و چشمه) دارد، لذا مستعمل دو تعهد داده است و برای عمل به آن دو تعهد، باید در هر استعمال هر دو معنا را قصد کند. پس اگر لفظ عین معانی متعددی (مثلاً ۷۰ معنا) داشته باشد، مستعمل باید برای عمل به تعهد خود، در هر استعمالی ۷۰ معنا را قصد کند. اما علت امتناع اشتراک لفظی طبق این معنا این است که قطعاً هیچ مستعملی چنین تعهدی ندارد.

### تطبیق

و اما علی مسلک التعهد فلا یخلو تصویر الاشتراک و الترادف من إشکال

اما بنابر مسلک و نظریه تعهد، تصور اشتراک لفظی و مترادف اشکال دارد.

لأن التعهد إذا كان بمعنى الالتزام بعدم الإتيان باللفظ، إلا إذا قصد تفهيم المعنى الذى يضع له اللفظ، امتنع الاشتراک المتضمن لتعهدین من هذا القبیل بالنسبة إلى لفظ واحد

زیرا تعهد اگر به این معنا باشد که مستعمل التزام داشته باشد به اینکه این لفظ را استعمال نکند مگر زمانی که قصد تفهیم معنای موضوع له آن لفظ را داشته باشد، در این صورت اشتراک لفظی غیرممکن خواهد شد؛ زیرا در مشترک لفظی مستعمل باید نسبت به لفظ واحد، دو تعهد این چنینی داشته باشد.

إذ<sup>۲</sup> يلزم ان يكون عند الإتيان باللفظ قاصدا لكلا المعنيين وفاء<sup>۳</sup> بكلا التعهدين، و هو<sup>۴</sup> غير مقصود من المتعهد جزما.

به این دلیل که بر او لازم می‌شود هنگام استعمال آن لفظ، هر دو معنایش (یا اگر معانی بیشتری دارد همه آنها) را قصد کند تا بدین وسیله به تعهد خود عمل کرده باشد و حال آنکه قطعاً متعهد (مستعمل) به این مطلب ملتزم نیست.

<sup>۱</sup>. چنان‌که قبلاً گذشت، بنابر این نظریه هر مستعملی، واضح نیز محسوب می‌شود.

<sup>۲</sup>. بیان علت امتناع اشتراک.

<sup>۳</sup>. مفعول له «يلزم».

<sup>۴</sup>. مرجع ضمیر: كلا المعنيين.

## Sco۱:۶:۱۶

## اشکال به امکان ترادف بنابر نظریه تعهد

گفتیم که تعهد را می‌توان دو گونه معنا کرد. بنابر یک معنا، امکان اشتراک لفظی دچار مشکل می‌شود؛ اما بنابر معنای دیگر (معنای دوم) امکان ترادف مخدوش می‌گردد.

**معنای دوم:** مستعمل تعهد کند که هرگاه قصد تفهیم معنایی را داشت از لفظ وضع شده برای آن معنا استفاده کرده و آن را استعمال کند. طبق این معنا از تعهد، ترادف غیرممکن خواهد بود.

**مثال:** مستعمل یک بار تعهد داده است که هرگاه قصد تفهیم معنای «شیر» را داشت از لفظ «غضنفر» استفاده کند و بار دیگر تعهد داده است که هرگاه قصد تفهیم معنای شیر را داشت از لفظ «اسد» استفاده کند. پس برای عمل به این دو تعهد باید در هر مورد از هر دو لفظ استفاده کند، در حالی که قطعاً هیچ مستعملی چنین التزامی ندارد.

معنای سلبی: امتناع اشتراک  
 معنای ایجابی: امتناع ترادف  
 معانی نظریه تعهد

## تطبیق

و إذا كان التعهد بمعنى الالتزام بالإتيان باللفظ عند قصد تفهيم المعنى امتنع الترادف المتضمن لتعهدين من هذا القبيل بالنسبة إلى معنى واحد

و اگر تعهد به این معنا باشد که مستعمل ملتزم شود که هرگاه قصد تفهیم معنایی را داشت، از لفظ وضع شده برای آن معنا استفاده کند؛ لذا از آنجایی که ترادف، متضمن دو تعهد این‌چنینی نسبت به یک معنای واحد خواهد بود، بنابراین وقوعش غیرممکن خواهد شد

إذ يلزم ان يأتى بكلا اللفظين عند قصد تفهيم المعنى، و هو غير مقصود من المتعهد جزماً.

زیرا بر مستعمل لازم می‌شود که هنگامی که قصد تفهیم معنایی را دارد از هر دو لفظی که برای آن معنا وضع شده- اند استفاده کند، در حالی که قطعاً متعهد (مستعمل) به این مطلب ملتزم نیست.

## Sco۲:۱۲:۸

## راهکار امکان اشتراک لفظی و ترادف بنابر نظریه تعهد

چنانچه گذشت امکان اشتراک و یا ترادف بنابر نظریه تعهد دچار مشکل می‌شود؛ زیرا اگر تعهد به این معنا باشد که مستعمل لفظ را استعمال نکند مگر زمانی که قصد تفهیم معنای موضوع له را داشته باشد، در این صورت اشتراک لفظی ناممکن می‌شود و اگر به این معنا باشد که مستعمل هرگاه قصد تفهیم معنایی را داشت، از لفظ وضع شده برای آن معنا استفاده کند، در این صورت، ترادف، ممتنع خواهد شد.

شهید صدر برای حل این اشکال سه راه را مطرح می‌کند:

## راه حل اول: تعدد متعهد

قائل شویم اشتراک و ترادف، توسط واضع واحدی واقع نشده‌اند، بلکه منشأ این دو، تعدد قبایل بوده است. بنابراین متعهد نیز متعدد می‌باشد، به این صورت که قبیله‌ای از عرب متعهد شده‌اند لفظ «عین» را هنگامی که قصد تفهیم معنای «چشم» دارند استعمال نمایند و قبیله دیگری متعهد شده‌اند لفظ عین را زمانی استعمال کنند که قصد تفهیم معنای «چشمه» را داشته باشند. پس هرگروه یک تعهد داده‌اند و به این ترتیب اشتراک لفظی با مشکلی رو به رو نمی‌شود.

در مورد ترادف نیز قبیله‌ای تعهد دارند که به هنگام قصد تفهیم معنای شیر از لفظ اسد استفاده کنند و قبیله‌ای دیگر متعهدند در این فرض از لفظ غضنفر استفاده نمایند و چون هر گروه تعهدی جداگانه دارند، تزاممی بین دو تعهد پیش نمی‌آید و امکان ترادف مشکلی نخواهد داشت.

## راه حل دوم: وحدت متعهد و تعهد

در این راه حل - بر خلاف راه حل اول - متعهد را واحد فرض می‌کنیم، اما به شکل دیگری اشکال را بر طرف می‌سازیم، با این بیان که این متعهد واحد یک تعهد بیشتر نداده است، به این شکل که مستعمل، متعهد می‌شود لفظ مشترک را به کار نگیرد مگر به هنگام قصد تفهیم یکی از معانی آن. بنابراین مشکلی در اشتراک لفظی پیش نمی‌آید. یا اینکه متعهد می‌شود که هرگاه قصد تفهیم معنای شیر را (مثلاً) داشت، یکی از دو لفظ وضع شده بر آن معنا را به کار گیرد. در این صورت نیز اشکالی در امکان ترادف به وجود نخواهد آمد.

## تطبیق

و حل الإشکال إما بافتراض تعدد المتعهد أو وحدة المتعهد بان<sup>۱</sup> یكون متعهدا بعدم الإتيان باللفظ إلا إذا قصد تفهيم أحد المعنيين بخصوصه<sup>۲</sup>

و حلّ اشکال به این صورت است که یا فرض کنیم متعهد، متعدد است و یا آنکه واحد است؛ لکن به این صورت که متعهد می‌شود که لفظ مشترک را استعمال نکند مگر به هنگامی که فقط قصد تفهیم یکی از معانی آن را داشته باشد.

أو متعهدا عند قصد تفهيم المعنى بالإتيان<sup>۳</sup> بأحد اللفظين

و یا اینکه متعهد است که هرگاه قصد تفهیم معنایی را داشت، یکی از دو لفظی که بر آن معنا وضع شده است را به کار گیرد.

Scor: ۲۰: ۲۴

۱. باء بیانیة؛ بیان «وحدة المتعهد».

۲. یعنی: فقط.

۳. متعلق جار و مجرور: متعهداً.

## راه حل سوم: مشروط بودن هر یک از تعهدها به عدم دیگری

برای حل اشکالی که بنابر نظریه تعهد بر امکان اشتراک لفظی و ترادف وارد می‌شد، دو راه مطرح و توضیح داده شد. اکنون به توضیح راه حل سوم می‌پردازیم.

در این راه حل، متعهد را واحد فرض می‌کنیم و تعهد را متعدّد؛ اما برای اینکه تعدد تعهد از جانب متعهد واحد، منجر به تزاحم و اشکال مطرح شده نشود، باید متعلّق هر یک از دو تعهد مشروط به عدم دیگری شود. مثلاً متعهد شود هنگامی که قصد تفهیم معنای چشم را دارد، از لفظ عین استفاده کند به شرط آنکه در آن استعمال، قصد معنای چشمه را نکند و بالعکس.

و نسبت به معنای دوم تعهد، مثال این گونه است که متعهد شود به هنگام قصد معنای شیر، لفظ اُسد را استعمال کند به شرط آنکه در آن هنگام، لفظ غضنفر را استعمال نکرده باشد و بالعکس.

**نکته:** باید توجه داشت آنچه موجب اشکال طبق نظریه تعهد می‌شد، وحدت متعهد و تعدد تعهد از جانب او بود. در راه حل اول، متعهد را متعدد و در راه حل دوم وحدت تعهد را فرض کردیم اما طبق راه حل سوم متعهد واحد است و تعهد اگرچه ظاهراً متعدد است و مشکل ساز، اما چون هر یک مشروط به عدم دیگری است، در واقع تعهد نیز یکی است و بدین سان اشکال رفع می‌گردد.

FG

- |   |   |  |
|---|---|--|
| ۱. تعدد متعهد<br>۲. وحدت متعهد و تعهد<br>۳. وحدت متعهد و تعدد تعهد (به شکلی که متعلق هر تعهد مشروط به عدم دیگری باشد) | } | راه حل‌های اشکال به اشتراک و<br>ترادف بنابر نظریه تعهد |
|---|---|--|

## تطبيق

أو فرض تعهدین مشروطین علی نحو یكون المتعهد به<sup>۱</sup> فی کل منهما مقیدا بعدم الآخر.

و یا این که فرض کنیم مستعمل، دو تعهد مشروط داده است؛ به گونه‌ای که در هر یک از دو تعهد، خود آنچه در متعلق تعهد آمده است مقید به عدم دیگری شده است.

Sco۴:۲۵:۴۴

<sup>۱</sup>. یعنی: متعلق تعهد.

## چکیده

۱. تعهدی را که در نظریه تعهد صورت می‌گیرد، به دو گونه می‌توان معنا کرد. طبق یک معنا، اشتراک لفظی غیر ممکن می‌شود و طبق معنای دیگر، مترادف ناممکن خواهد بود.
۲. اگر تعهد به این معنا باشد که مستعمل لفظ را استعمال نکند مگر زمانی که قصد تفهیم معنای موضوع له را داشته باشد در این صورت اشتراک لفظی ناممکن می‌شود و اگر به این معنا باشد که مستعمل هرگاه قصد تفهیم معنایی را داشت از لفظ وضع شده برای آن معنا استفاده کند در این صورت، مترادف ممتنع خواهد شد. به تعبیر دیگر، اگر تعهد را در قالب سلبی معنا کنیم، اشتراک ممتنع است و اگر در قالب ایجاب آن معنا کنیم، مترادف ناممکن می‌شود.
۳. حل اشکال فوق به آن است که یا متعهد را مختلف و متعدد بدانیم، یا تعهد را واحد (و تخییری) فرض کنیم و یا اینکه آن را چند تعهد مشروط تصور کنیم.